

رد ادعای ابن تیمیّه پیرامون اصالت سند جمله‌ی «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» در حدیث غدیر

چکیده: عبارت «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» در حدیث متواتر غدیر، صادره از پیامبر ﷺ در یکی از مهم‌ترین روزهای سرنوشت‌ساز اسلام حاکی از دو فرع تبری و تولى در عقاید شیعه است که اهل تسنن واکنش‌های متفاوتی بدان نشان داده‌اند؛ برخی آن را در ادامه‌ی حدیث غدیر نقل کرده‌اند و برخی از نقل آن پرهیز کرده‌اند؛ اما متفاوت‌ترین واکنش توسط ابن تیمیّه مطرح شده است که می‌گوید: به اتفاق اهل معرفت به حدیث این عبارت دروغ است؛ مدعایی که در این مقاله بر اساس تراث اهل تسنن هرگز اثبات نمی‌شود. اگر بخواهیم همه‌ی ناقلان این عبارت را به دروغ متهم کنیم از منابع حدیثی اهل تسنن اثری باقی نمی‌ماند چه اینکه بسیاری از علما به نقل آن اهتمام داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: حدیث غدیر، ابن تیمیّه، تبری و تولى، نقد حدیث، تقطیع حدیث، اصالت سند.

دکتر احسان پوراسماعیل
استادیار مؤسسه آموزش عالی
آرمان رضوی
dr.ehsanpouresmaeil@
gmail.com

تاریخچه‌ی مقاله
دریافت: ۱۳۹۷/۴/۹
پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۵

۱. مقدمه

رخداد غدیر خم، حقیقتی غیر قابل انکار در تاریخ اسلام است که پذیرش و روی گردانی از آن تأثیرات فراوانی در زندگی مسلمانان تا قیامت خواهد داشت؛ از آنجا که هر حقیقتی از گزاره‌های دینی مخالفانی دارد، با ورداشت غدیر که بیشترین میزان اثرگذاری در مسیر هدایت بشر را دارد از همان روز بروز دشمنانی را در کنار خود دید که همواره تلاش کرده‌اند در مسیر زلال آن، انحراف ایجاد کنند، از این رو تکلیف پژوهشگران تراث اسلامی حفظ غدیر از زنگار سخنان و بینش‌های نارو است.

بعضی دانشمندان اهل تسنن به انکار اصل حدیث غدیر پرداخته‌اند؛ نظیر ابن حزم اندلسی که می‌گوید: «و أما من كنت مولاة فعلى مولاة فلا يصح من طريق الثقات أصلاً» (همو، بی تا، ج ۴، ص ۱۱۶). یعنی: حدیث من كنت مولاة ... به هیچ وجه از طریق افراد ثقه تأیید نشده است و یا تفتازانی که می‌نویسد: «و الجواب منع تواتر الخبر فإن ذلك من مكابرات الشيعة كيف وقد قدح في صحته كثير من أهل الحديث و لم ينقله المحققون منهم كالبخارى و مسلم و الواقدي» (همو، ۱۴۰۱ ق، ج ۲، ص ۲۹۰) یعنی: جواب ما این است که حدیث غدیر متواتر نیست و این از زورگویی‌های شیعه است؛ زیرا بسیاری از علما و محققین علم

حدیث؛ از جمله بخاری، مسلم و واقدی در صحتش اشکال کرده و آن را نقل ننموده‌اند.

در این میان ابن تیمیّه ابتدا سعی می‌کند موضعی نرم اتخاذ کند ولی در نهایت به رد آن می‌پردازد: «و أما قوله من كنت مولاه فعلى مولاه فليس هو فى الصحاح لكن هو مما رواه العلماء و تنازع الناس فى صحته فنقل عن البخارى و إبراهيم الحربى و طائفة من أهل العلم بالحديث انهم طعنوا فيه و ضعفوه ...» (همو، ۱۴۰۶ ق، ج ۷، ص ۳۱۹). یعنی: حدیث: من كنت مولاه ... در کتب روایى صحیح شش‌گانه آورده نشده است، بعضی از دانشمندان آن را روایت کرده‌اند؛ ولی در صحت آن دچار اختلاف شده‌اند، از بخاری و ابراهیم حربی و گروهی دیگر از اهل دانش نقل شده است که آنان این حدیث را تضعیف کرده‌اند.

احمد بن عبدالحلیم معروف به ابن تیمیّه حرّانى (۶۶۱-۷۲۸ ق) را باید مهم‌ترین تئوریسین تفکر سلفی نامید، که امروزه بسیاری از مسلمانان تحت تأثیر اندیشه‌های او هستند. وی کتاب «منهاج السنة النبویة فى نقض كلام الشيعة و القدريه» را در سال ۷۰۵ قمری در نقد کتاب «منهاج الكرامة» علامه حلی نگاشت که یکی از اشکالات او پیرامون تعبیر رسول خدا ﷺ در روز غدیر است.

روی‌کرد علمای اهل تسنن در مورد حدیث غدیر متفاوت است؛ گروهی به نقل عبارت «من كنت مولاه فعلى مولاه» بسنده کرده‌اند (نک: الغدير، ج ۱، سراسر کتاب) و برخی آن را با ادامه‌ی این گزاره آورده‌اند که «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ» (همان).

تقطیع حدیث غدیر به شکل سهوی یا عمدی در جای خود قابل بررسی است

اما اینکه ناقلان قسمت دوم را کذاب بخوانیم قابل تأمل است، چه اینکه عملکرد شمار فراوانی از صحابه زیر سوال می‌رود و اینکه در این صورت چگونه می‌توان به باور ابن تیمیه از عدالت صحابه دفاع کرد پرسشی قابل تأمل دیگری است؛ چرا که بنا به باور او منکر عدالت صحابه کافر است (همو ۱۴۰۳ ق، ص ۱۰۷).

ابن تیمیه می‌گوید: «الْوَجْهُ الْخَامِسُ: أَنَّ هَذَا اللَّفْظَ، وَهُوَ قَوْلُهُ: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَأَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ» كِذْبٌ بِاتِّفَاقِ أَهْلِ الْمَعْرِفَةِ بِالْحَدِيثِ» (همو، ۱۴۰۶ ق، ج ۷، ص ۵۵) یعنی: قول رسول خدا ﷺ که «خدایا دوست بدار هرکسی را که علی علیه السلام را دوست دارد و دشمن بدار هرکسی را که علی علیه السلام را دشمن بدارد و یاری کن هرکسی را که علی علیه السلام یاری کند و ذلیل کن هرکسی را که علی علیه السلام را ذلیل کند»، به اتفاق اهل معرفت به حدیث، دروغ است.

بعد از محمد بن عبدالوهاب (متوفای ۱۲۰۶ ق)، بدون ارزیابی سخن ابن تیمیه پیرامون حدیث غدیر می‌گوید: «وَأَمَّا الزِّيَادَةُ فليست في الحديث ... و لا ريب أن ها كذب» (همو، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۴) یعنی: و اما بیش از «من كنت مولاه فعلى مولاه» در حدیث، نیامده ... و بدون شک دروغ است.

سال‌ها بعد ابن عدی در «الکامل فی ضعفاء الرجال» ادعا کرد فقره‌ی «اللهم وال من والا و عاد من عاداه»، بعدها توسط علما، مردم و یا کذابین کوفه به آن اضافه شده و در اصل روایات موجود نیست (همو، نک: ۱۴۱۸ ق)

۲. بی‌توجهی ابن تیمیه به منابع سلف

قبل از ابن تیمیه، بسیاری از عالمان طراز اول اهل تسنن به نقل جمله‌ی

دعایی پیامبر ﷺ در حدیث غدیر اهتمام داشته‌اند، از این رو واکنش ابن تیمیّه از دو حال خارج نیست: یا این منابع را ندیده است که دقت در پژوهش او را زیر سؤال می‌برد و نشان می‌دهد عالمی سطحی نگر است و یا این منابع را دیده ولی از نقل آن پرهیز کرده است که در این صورت ثقه بودن او از بین می‌برد.

۱.۲. منابعی که پیش از ابن تیمیّه به نقل دعای پیامبر ﷺ پرداخته‌اند:

پیشتر از اهل تسنن که به عبارت «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ» پرداخته‌اند، اندک نیستند و با جمع‌آوری نامدران آنان در میان اهل تسنن این پرسش پیش می‌آید چرا ابن تیمیّه سایر احادیث آنها را پذیرفته و از آنان در آثار خود استفاده کرده است اما درباره‌ی ادامه‌ی حدیث غدیر، نسبت دروغ می‌دهد؟ آیا استادان اساتید خود را اهل معرفت نمی‌داند یا نمی‌توان به مشیخه‌ی اهل تسنن اعتماد کرد؟

به دلیل محدودیت در صفحات مقاله در این قسمت صرفاً به نام بردن ناقلان بسنده می‌کنیم: *شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

۱-۱-۱- ابن ابی شیبّه، استاد بخاری (متوفای ۲۳۵ ق)؛ (همو، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۶۸۲، ج ۶، ص ۳۶۸).

۱-۱-۲- احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ ق) در دو کتاب «المسند» (همو، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۱۸) و «فضائل الصحابة» اش (همو، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۶۱۰، ج ۲، ص ۶۸۲).

۱-۱-۳- ابن ماجه قزوینی متوفای (متوفای ۲۷۵ ق)؛ (همو، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۳).

- ۱-۱-۴ - ابوبکر بزار (متوفای ۲۹۲ ق)؛ (همو، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۰، ص ۲۱۱).
- ۱-۱-۵ - نسایی (متوفای ۳۰۳ ق)؛ (همو، ۱۴۱۱ ق، ج ۵ ص ۴۵، ج ۵، ص ۱۳۰ و ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۹۶).
- ۱-۱-۶ - ابویعلی موصلی (متوفای ۳۰۷ ق)؛ (همو، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۴۲۸ و ج ۱۱، ص ۳۰۷).
- ۱-۱-۷ - طحاوی (متوفای ۳۲۱ ق)؛ (همو، ۱۴۰۸ ق، ج ۵، ص ۱۸ و ۱۹).
- ۱-۱-۸ - ابن حبان (متوفای ۳۵۴ ق)؛ (همو، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۵، ص ۳۷۵).
- ۱-۱-۹ - طبرانی (متوفای ۳۶۰ ق)؛ (همو، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۱۶۶).
- ۱-۱-۱۰ - حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ ق)؛ (همو، ۱۴۱۱ ق، ج ۳، ص ۱۱۸).
- ۱-۱-۱۱ - ثعلبی (متوفای ۴۲۷ ق)؛ (همو، ۱۴۲۲ ق، ج ۴، ص ۱۲۶).
- ۱-۱-۱۲ - ابن عبدالبر (متوفای ۴۶۳ ق)؛ (همو، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۰۹۹).
- ۱-۱-۱۳ - جرجانی (متوفای ۴۹۹ ق)؛ (همو، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۱۹۲).
- ۱-۱-۱۴ - ابن عساکر (متوفای ۵۷۱ ق)؛ (همو، ۱۹۹۵ م، ج ۴۲، ص ۲۰۹).
- ۱-۱-۱۵ - ابن اثیر جزری (متوفای ۶۳۰ ق)؛ (همو، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۴۸۴).
- ۱-۱-۱۶ - مقدسی (متوفای ۶۴۳ ق)؛ (همو، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۰۶).

در کنار این موارد برخی دانشوران اهل تسنن سال‌ها قبل از ادعای ابن تیمیه، بابتی مستقل در آثار خود درباره‌ی دعای پیامبر ﷺ در روز غدیر گشوده‌اند؛ به عنوان مثال:

الف) ابن حبان (متوفای ۳۵۴ ق) این باب را در اثر خود دارد: «ذکر دعاء المصطفیٰ ﷺ با لویایة لمن والی علیا و المعاداة لمن عاداه» و این خبر را آورده است: «أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيُّ حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ أَخْبَرَنَا أَبُو نُعَيْمٍ وَيَحْيَى بْنُ آدَمَ قَالَا حَدَّثَنَا فِطْرُ بْنُ خَلِيفَةَ عَنْ أَبِي الطَّفَيْلِ قَالَ قَالَ عَلِيٌّ أَنَشُدُ اللَّهَ كُلَّ امْرِئٍ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ يَوْمَ غَدِيرِ خَمٍّ لَمَّا قَامَ فَقَامَ أَنَا فَشَهِدُوا أَنَّهُمْ سَمِعُوهُ يَقُولُ أَلَسْتُمْ تَعْلَمُونَ أَيُّ أَوْلَى النَّاسِ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَإِنَّ هَذَا مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ فَخَرَجْتُ وَ فِي نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ فَلَقِيْتُ زَيْدَ بْنَ أَرْقَمَ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لَهُ فَقَالَ قَدْ سَمِعْتَاهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ يَقُولُ ذَلِكَ لَهُ»؛ (همو، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۵، ص ۳۷۵)

یعنی: ... ابوظفیل گفت: علی علیه السلام فرمود: هرکسی را که روز غدیر خم سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله آن گاه که ایستاده بود، شنیده است، سوگند می دهم (که آنچه شنیده شهادت دهد) گروهی در مجلس برخاسته و شهادت دادند که شنیدند که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: «ای مسلمانان آیا نمی دانید که من (به حکم قرآن) از مؤمنان به خودشان سزاوارتر و مقدم هستم» مسلمانان گفتند: آری ای رسول خدا! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که من مولای اویم، این (علی علیه السلام) مولای او است بارخدا یا دوست بدار هرکس را که علی را دوست دارد، و دشمن بدار هرکس را که، دشمن او است» (ابوظفیل می گوید: از مجلس علی علیه السلام خارج شدم در حالی این سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله برایم گران آمده بود، بعد از آن زید بن ارقم (صحابی) را دیدم و جریان را برای او بازگو کردم و او گفت: ما از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدیم که آن را در مورد علی علیه السلام می فرمود.

ب) ابوبکر آجری (متوفای ۳۶۰ ق): بابی دارد به نام «ذکر دعاء النبی لمن

والی علی بن ابی طالب رضی الله عنه و تولاه و دعائه علی من عاداه» و در آن آورده است: «حدثنا أبو محمد عبد الله بن العباس الطيالسی، قال: حدثنا محمد بن موسى الحرشی، قال: حدثنا عثمان بن علی قال: حدثنا عبد الملك بن أبی سلیمان، عن عطیة، عن زید بن أرقم قال: قال رسول الله: «من كنت مولاة فعلى مولاة، اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه» (همو، ۱۴۲۰ ق، ج ۴، ص ۲۰۴۹) یعنی: زید بن ارقم گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «من كنت مولاة فعلى مولاة، اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه».

۱-۲-۲- منابعی که بعد از ابن تیمیّه به نقل دعای پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخته‌اند:

۱-۲-۱- مزی (متوفای: ۷۴۲ ق): (همو، ۱۴۰۰، ج ۱۱، ص ۹۰ و ج ۱۱، ص ۱۰۰).

۱-۲-۲- ذهبی (متوفای: ۷۴۸ ق): (همو، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۶۳۱).

۱-۲-۳- زیعلی (متوفای ۷۶۲ ق): (همو، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۳۴).

۱-۲-۴- یافعی (متوفای ۷۶۸ ق): (همو، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۰۹).

۱-۲-۵- ابن کثیر دمشقی (متوفای ۷۷۴ ق):

۱-۲-۵-۱- (همو، الف) بی تا، ج ۴، ص ۴۱۶).

۱-۲-۵-۲- (همو، ب) ج ۵، ص ۲۰۹).

۱-۲-۶- ابن ابی بکر هیثمی (متوفای ۸۰۷ ق): (همو، ۱۴۰۷، ج ۹، ص

۱۰۷).

۱-۲-۷- ابن ابی بکر (متوفای ۸۰۷ ق): (همو، بی تا، ج ۱، ص ۵۴۴).

۱-۲-۸- ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲ ق): (همو، ۱۴۱۹، ج ۱۶، ص

(۹۷).

۱-۲-۹- ثعالبی (متوفای ۸۷۵ ق): (همو، بی تا، ج ۴، ص ۹۲).

۱-۲-۱۰- سیوطی (متوفای ۹۱۱ ق):

۱-۲-۱۰-۱- (همو، ۱۹۹۳ م، ج ۳، ص ۱۰۵).

۱-۲-۱۰-۲- (همو، بی تا، ج ۵، ص ۴۰۰ و ج ۱۶، ص ۲۷۲).

۱-۲-۱۰-۳- (همو، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ص ۱۶۹).

۱-۲-۱۱- ابن حجر هیثمی (متوفای ۹۷۳ ق): (همو، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۱۰۶

و ص ۱۰۷ و ج ۲، ص ۳۵۵).

۱-۲-۱۲- متقی هندی (متوفای ۹۷۵ ق): (همو، ۱۴۱۹ ق، ج ۵، ص ۱۱۴).

۱-۲-۱۳- حلبی (متوفای ۱۰۴۴ ق): (همو، ۱۴۰۰ ق، ج ۳، ص ۳۳۶).

۱-۲-۱۴- عاصمی (متوفای ۱۱۱۱ ق): (همو، ۱۴۱۹ ق، ج ۳، ص ۳۶).

۱-۲-۱۵- عجلونی (متوفای ۱۱۶۲ ق): (همو، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۳۶۱).

۱-۲-۱۶- آلوسی (متوفای ۱۲۷۰ ق): (همو، بی تا، ج ۶، ص ۱۹۵).

در میان این دانشوران حداقل دو نفر، تعبیر قوی بودن برای ادامه‌ی حدیث

غدیر دارند که به شرح زیر است:

الف) ابن کثیر دمشقی سلفی (متوفای ۷۷۴ ق) که از شاگردان ذهبی به شمار می‌رود، به نقل از استادش می‌نویسد: «قال: و صدر الحدیث متواتر أتیقن أن رسول الله ﷺ قاله، وأما: «اللهم وال من والاه» فزيادة قوية الاسناد» (همو، بی تا،

ج ۴، ص ۴۲۶ (الف) و ج ۵، ص ۲۱۴ (ب). یعنی: ذهبی گفت: این حدیث به صورت متواتر نقل شده است و من یقین کردم که از رسول خدا ﷺ صادر شده است، اما جمله‌ی: «اللهم وال من والاه» نیز سندش قوی است.

ب) شهاب‌الدین آلوسی (متوفای ۱۲۷۰ ق) صاحب روح المعانی که جایگاه ویژه‌ای در نزد وهابی‌ها دارد، در تفسیرش می‌نویسد: «و عن الذهبي أن «من كنت مولاه فعلى مولاه» متواتر يتقين أن رسول الله ﷺ قاله و أما اللهم وال من فزيادة قوية الاسناد». (همو، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۹۵). یعنی: حدیث «من كنت مولاه فعلى مولاه» متواتر است و به یقین سخن رسول خدا ﷺ است؛ اما ادامه‌ی آنکه رسول خدا ﷺ فرمود: خدایا دوست بدار هر که علی را دوست دارد، نیز سندش قوی است ...

۳. اسناد صحیح‌السند بودن عبارت دعای پیامبر ﷺ در حدیث غدیر

عبارت «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَأَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ» که از آن به اختصار با عنوان عبارت تبری و تولى یاد می‌کنیم با سندهای صحیح از علمای اهل تسنن نقل شده است؛ این منابع را به دو دسته تقسیم می‌کنیم؛ ابتدا به آثاری که قبل از ادعای ابن تیمیه منتشر شده است، اشاره می‌کنیم و در قسمت دوم به منابع بعد از او تا رد ادعای او اثبات شود.

۱.۳. اسناد صحیح‌السند بودن دعای پیامبر ﷺ قبل از ابن تیمیه

۱.۱.۳. أحمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ ق)

«حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا حسين بن محمد و أبو نعيم المعنى قالا ثنا

فَطَرٌ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ قَالَ: جَمَعَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ النَّاسُ فِي الرَّحْبَةِ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: أُنْشِدُوا اللَّهَ كُلَّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ مَا سَمِعَ لَمَّا قَامَ فَقَامَ ثَلَاثُونَ مِنَ النَّاسِ وَقَالَ أَبُو نُعَيْمٍ: فَقَامَ نَاسٌ كَثِيرٌ فَشَهِدُوا حِينَ أَخَذَهُ بِيَدِهِ فَقَالَ لِلنَّاسِ أَتَعْلَمُونَ أَنِي أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِي مَنْ وَالَاهُ وَعَادِي مَنْ عَادَاهُ قَالَ فَخَرَجْتُ وَكَأَنَّ فِي نَفْسِي شَيْئًا فَلَقِيْتُ زَيْدَ بْنِ أَرْقَمٍ فَقُلْتُ لَهُ أَنِي سَمِعْتُ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ كَذَا وَكَذَا قَالَ فَمَا تُنْكِرُ قَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ ذَلِكَ لَهُ» (همو، بی تا، ج ۴، ص ۳۷۰).

یعنی: فطر بن خلیفه از ابو طفیل نقل کرده است حضرت علی رضی الله عنه مردم را در رحبه گرد آورد و فرمود: سوگند می‌دهم هر مرد مسلمان‌ای که غدیر خم را به خاطر دارد و سخنی را که در آن روز از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده است، از جای برخیزد. سی تن از مردم برای اقامه شهادت برپای خاستند.

ابو نعیم، گفته است که گروه بسیاری قیام کردند و اعلام کردند آن هنگام حاضر بودیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله دست امیر المؤمنین علی رضی الله عنه را به دست مبارک خود گرفت خطاب به مردم فرمود:

آیا می‌دانید که من سزاوارتر به مؤمنان از خود آنها می‌باشم؟ همگی فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله را تصدیق کردند و به همین دلیل بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من كنت مولاة فهذا مولاة» و اضافه فرمود: پروردگارا! دوست علی را دوست بدار، و دشمن علی را دشمن بدار.

ابو طفیل گفت: از میان جمع در حالی بیرون رفتم که در خودم احساس ناراحتی می‌کردم، و در بازگشت از اجتماع مردم، به دیدار زید بن ارقم رفتم و به او

گفتم: از علی چنین و چنان شنیدم و ناراحت شدم! زید گفت: آنچه را که شنیدی انکار مکن! زیرا آنچه را که شنیده‌ای من خود از رسول خدا ﷺ شنیده‌ام!

البانی بعد از نقل این روایت می‌گوید: «أخرجه أحمد (۴/۳۷۰) وابن حبان فی «صحيحه» (۲۲۰۵ - موارد الظمان) وابن أبي عاصم (۱۳۶۷ و ۱۳۶۸) والطبرانی (۴۹۶۸) والضياء فی «المختارة» (رقم - ۵۲۷ بتحقیقی). قلت: وإسناده صحيح علی شرط البخاری. وقال الهيثمی فی «المجمع» (۹/۱۰۴): «رواه أحمد ورجاله رجال الصحيح غير فطر بن خليفة و هو ثقة». (همو، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۴۹). یعنی: این روایت را احمد، ابن حبان در صحیحش، ابن ابی عاصم، طبرانی، مقدسی در المختاره که خود آن را تحقیق کرده‌ام، نقل نموده‌اند. نظر من این است که این روایت بر طبق شرایطی که بخاری برای صحت حدیث قائل است، صحیح است. هیثمی در مجمع الزوائد گفته است که آن را احمد نقل کرده و راویان حدیث احمد، راویان صحیح بخاری هستند؛ غیر از فطر بن خلیفه که او نیز مورد اعتماد است.

- «حدثنا عبد الله ثنا علي بن حكيم الأودي أنبأنا شريك عن أبي إسحاق عن سعيد بن وهب وعن زيد بن يثيع قالاً نشد علي الناس في الرحبة من سمع رسول الله ﷺ يقول يوم غدیر خم الا قام قال فقام من قبل سعيد سته ومن قبل زيد سته فشهدوا انهم سمعوا رسول الله ﷺ يقول لعلي عليه السلام يوم غدیر خم أليس الله أولى بالمؤمنين قالوا بلى قال: اللهم من كنت مولاة فعلى مولاة اللهم وال من والاه وعاد من عاداه»

«حدثنا عبد الله ثنا علي بن حكيم أنبأنا شريك عن أبي إسحاق عن عمرو

ذی مُرْبِئِثٍ حَدِيثِ أَبِي إِسْحَاقَ يَعْنِي عَنْ سَعِيدِ وَزَيْدٍ وَزَادَ فِيهِ وَأَنْصُرُ مَنْ نَصَرَهُ
وَأَخْذُلُ مَنْ خَدَلَهُ» أحمد محمد شاکر در تحقیق مسند احمد حنبل می گوید:
«إسناده صحيح» (نک: همو، بی تا، ج ۲، ص ۱۸، ح ۹۵۰ و ۹۵۱).

۲.۱.۳. ابن ماجه (متوفای ۲۷۵ ق)

«حدثنا علي بن محمد حدثنا أبو الحسين أخبرني حماد بن سلمة عن علي
بن زيد ابن جدعان عن عدی بن ثابت عن البراء بن عازب قال أقبلنا مع
رسول الله ﷺ في حجته التي حج فنزل في بعض الطريق فأمر الصلاة جامعة
فأخذ بيد علي ﷺ فقال أأنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم قالوا بلى قال أأنت
أولى بكل مؤمن من نفسه قالوا بلى قال فهذا ولي من أنا مولاه اللهم وال من والاه
اللهم عاد من عاداه» (همو، بی تا، ج ۱، ص ۴۳). البانی در تحقیق سنن ابن ماجه
این حدیث را صحیح می شناسد (همو، بی تا، ج ۱، ص ۵۶).

عدی بن ثابت از براء بن عازب نقل کرده است که در «حجة الوداع» که
افتخار همراهی با رسول خدا ﷺ را داشتیم، در بازگشت، در یکی از مسیرها
دستور داد برای نماز جمع شویم و در آنجا دست علی ﷺ را گرفت و فرمود: آیا
من سزاوارتر نیستم به مؤمنان از خود آنها؟ همگی تصدیق کرده و بله گفتند.
باز فرمود: آیا من نسبت به تک تک مؤمنان از خود آنها سزاوارتر نیستم؟ باز هم
تصدیق کرده و بله گفتند. سپس اشاره به حضرت علی ﷺ کرده و فرمود: «فهذا
ولي من أنا مولاه»؛ اکنون که فرموده مرا تصدیق کردید، بدانید که علی ﷺ به
هر مؤمنی همان مقام اولویت را دارد که من نسبت به آن مؤمن دارم. سپس
فرمود: پروردگارا! دوست علی ﷺ را دوست بدار، و دشمن او را خوار و ذلیل فرما.

۳.۱.۳. نسائی (متوفای ۳۰۳ ق)

«اخبِرنا محمد بن المثنی قال حدثنی یحیی بن حماد قال حدثنا ابو عوانة عن سلیمان قال حدثنا حبيب بن ابی ثابت عن ابی الطفیل عن زید بن ارقم قال لما رجع رسول الله ﷺ عن حجة الوداع و نزل غدیر خم امر بدوحات فقممن ثم قال کانی قد دعیت فاجبت و انی قد ترکت فیکم الثقلین احدهما اکبر من الآخر کتاب الله و عترتی اهل بیتی فانظروا کیف تخلفونی فیهما فانهما لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض ثم قال ان الله مولای و انا ولی کل مؤمن ثم اخذ بید علی فقال من کنت ولیه فهذا ولیه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه فقلت لزید سمعته من رسول الله ﷺ فقال ما کان فی الدوحات احد الا رآه بعینیه و سمعه بأذنیه» (همو، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۹۶). یعنی: ابوظفیل از زید بن ارقم نقل کرده است: هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ از حجة الوداع با زمی گشت، در محل غدیر خم منزل کرد و به درختان چندی که در آن نزدیکی بود اشاره کرد. اصحاب بدون درنگ زیر آن درخت‌ها را تمیز کرده و سایبانی برای رسول خدا ﷺ تشکیل دادند. حضرت رسول ﷺ در زیر آن سایبان قرار گرفت و خطاب به حاضران فرمود: روزگار من به پایان رسیده و مرا به سوی خدا و عنایات حضرت او دعوت کرده‌اند، دعوت حضرت او را اجابت کرده‌ام. اینک، دو اثر گرانب‌ها در میان شما به جای می‌گذارم که یکی از آن دو، مهم‌تر از دیگری است و آن دو اثر گرانبار، کتاب خدا و عترت اهل بیت من است، اینک بنگرید تا پس از فقدان من با آنها چگونه رفتار خواهید کرد. بدیهی است این دو یادگار از یکدیگر دور نخواهند شد تا اینکه در کنار حوض کوثر با من ملاقات نمایند. سپس فرمود: «ان الله مولای و انا ولی کل مؤمن»

سپس دست علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را گرفت و فرمود: «من كنت وليه فهذا وليه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» ابوظفیل گوید: از زید پرسیدم: آیا تو از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این جملات را شنیده‌ای؟ زید در پاسخ گفت: آری! همه‌ی آنها که در اطراف درختان حضور داشتند آن حضرت را دیدند و سخن ایشان را شنیدند.

حاکم نیشابوری بعد از نقل روایت می‌گوید: «هذا حديث صحيح على شرط الشيخين و لم يخرجاه بطوله». (همو، ۱۴۱ ق، ج ۳ ص ۱۱۸) یعنی: این حدیث با شرایطی که بخاری و مسلم در صحت روایت قائل هستند، صحیح است؛ ولی آنها نقل نکرده‌اند؛ شاهد آن حدیث سلمة بن کهیل از ابوظفیل است که آن هم طبق شرط بخاری و مسلم صحیح است.

حاکم نیشابوری روایت غدیر را به نقل از زید بن ارقم چنین نقل کرده است: «هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از حجة الوداع بر می‌گشتند و به غدیر خم رسیدند، دستور دادند که همه بایستند و جهازهای شتر جمع شود. سپس حضرت بر آن ایستادند و فرمودند: «نزدیک است که من امر خدا را اجابت کنم و از میان شما بروم. من در میان شما دو چیز گران بها گذاشتم. یکی از این دو بزرگ‌تر از دیگری است. کتاب خدا و عترتم را در بین شما قرار دادم. پس ببینید که چگونه از این دو جانشین من پیروی می‌کنید. قطعاً این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا اینکه بر حوض وارد شوند». سپس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «خدای وَجَّهْتُكَ مولای من است و من مولای شما هستم». سپس دست علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را گرفتند و گفتند: «من كنت مولاة فهذا وليه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه»

ابن‌کثیر دمشقی سلفی (متوفای ۷۷۴ ق) بعد از نقل روایت می‌گوید: «قال

شیخنا ابو عبدالله الذهبی و هذا حدیث صحیح.

استاد ما ابو عبدالله ذهبی گفت که این حدیث صحیح است». (همو، بی تا، ج ۵، ص ۲۰۹).

۴.۱.۳. ابو جعفر طحاوی (متوفای ۳۲۱ ق)

حافظ بزرگ اهل تسنن طحاوی می نویسد: «کما حدثنا أَحْمَدُ بْنُ شُعَيْبٍ قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ حَمَّادٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَوَانَةَ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ يَعْنَى الْأَعْمَشِ قَالَ حَدَّثَنَا حَبِيبُ بْنُ أَبِي ثَابِتٍ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ عَنْ زَيْدِ بْنِ أَرْقَمَ قَالَ لَمَّا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ حَجَّةِ الْوَدَاعِ وَ نَزَلَ بِغَدِيرِ خُمٍّ، أَمَرَ بِدَوْحَاتٍ فُقِّمْنَ ثُمَّ قَالَ كَأَنِّي دُعِيتُ فَأَجَبْتُ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ كَتَابَ اللَّهِ ﷻ وَ عَثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَأَنْظُرُوا كَيْفَ تَخْلُقُونِي فِيهِمَا فَإِنَّهُمَا لَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ ﷻ مَوْلَايَ وَأَنَا وَلى كُلِّ مُؤْمِنٍ» ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ ﷺ فَقَالَ: «مَنْ كُنْتُ وَلىهُ فَهَذَا وَلىهُ وَاللَّهِمَّ وَالِ مِنْ وَالَاهُ وَ عَادٍ مِنْ عَادَاهُ» فَقُلْتُ لِزَيْدٍ سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: مَا كَانَ فِي الدَّوْحَاتِ أَحَدٌ إِلَّا رَأَهُ بِعَيْنَيْهِ وَ سَمِعَهُ بِأُذُنَيْهِ. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: فَهَذَا الْحَدِيثُ، صَحِيحُ الْإِسْنَادِ لَا ظَنَّنَ لِأَحَدٍ فِي أَحَدٍ مِنْ رُؤُوسِهِ فِيهِ» (همو، ۱۴۰۸ ق، ج ۵، ص ۱۸ و ۱۹) یعنی: .. زید بن ارقم گفت: وقتی رسول خدا ﷺ از حجة الوداع (آخرین حج) برگشتند و وارد غدیر خم شدند، اصحاب حضرت به دستور ایشان از تنه‌ی درختان سکوی بنا کردند حضرت بر بالای آن رفته و فرمودند: «زمان رحلت من نزدیک شده، من شما را ترک خواهم کرد در حالی که دو چیز پر ارزش در میان شما باقی می‌گذارم یکی از دیگری برتر است، کتاب خدای ﷻ و عترتم اهل بیتم، دقت کنید بعد

از من با این دو چه خواهید کرد، این دو هرگز از هم جدایی ندارند تا سرانجام در کنار حوض کوثر، نزد من آیند سپس پیامبر فرمودند: «خداوند ﷺ مولای من و من مولای هر مومنی هستم» سپس دست علی را گرفتند و فرمودند: «هرکس که من مولای اویم، این (علی) مولای او است، بار خدایا دوست بدار هر که را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن دارد» (ابوطیفیل می‌گوید): به زید بن ارقم گفتم: از رسول خدا ﷺ شنیدی؟ گفت: هر کسی که آنجا آن را با چشم خودش دید و با گوش‌های خودش شنید؛ ابوجعفر گفت: این حدیث، حدیث صحیح الاسنادی است که احدی حق طعن زدن به احدی از راویان آن را ندارد.

۵.۱.۳. حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵ ق)

«حدثنا أبو الحسين محمد بن أحمد بن تميم الحنظلي ببغداد ثنا أبو قلابة عبد الملك بن محمد الرقاشي ثنا يحيى بن حماد و حدثني أبو بكر محمد بن بالويه و أبو بكر أحمد بن جعفر البزار قالوا ثنا عبد الله بن أحمد بن حنبل حدثني أبي ثنا يحيى بن حماد و ثنا أبو نصر أحمد بن سهل الفقيه ببخارى ثنا صالح بن محمد الحافظ البغدادي ثنا خلف بن سالم المخرمي ثنا يحيى بن حماد ثنا أبو عوانة عن سليمان الأعمش قال ثنا حبيب بن أبي ثابت عن أبي الطفيل عن زيد بن أرقم رضي الله عنه قال: لما رجع رسول الله ﷺ من حجة الوداع و نزل غدیر خم أمر بدوحات فقمّن فقال: «كأنی قد دعيت فأجبت إني قد تركت فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر كتاب الله تعالى و عترتي فانظروا كيف تخلفوني فيهما فإنهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض» ثم قال: «إن الله ﷻ مولای و أنا مولی

کل مؤمن ثم أخذ بيد علي عليه السلام فقال من كنت مولاه فهذا وليه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» و ذکر الحدیث بطوله هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین و لم یخرجاه بطوله شاهده حدیث سلمة بن كهیل عن أبی الطفیل أيضا صحیح علی شرطهما» (همو، ۱۴۱۱ ق، ج ۳، ص ۱۱۸) یعنی: زید بن ارقم گفت: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجة الوداع برگشتند و وارد غدیر خم شدند، اصحاب حضرت به دستور ایشان از تنه درختان سکویی بنا کردند حضرت بر بالای آن رفته و فرمودند: «زمان فقدان من نزدیک شده، من شما را ترک خواهم کرد در حالی که دو چیز پر ارزش در میان شما باقی می‌گذارم که یکی از دیگری برتر است، کتاب خدای صلی الله علیه و آله و عترتم اهل بیتم، دقت کنید بعد از من با این دو چه خواهید کرد، این دو هرگز از هم جدایی ندارند تا سرانجام در کنار حوض کوثر، نزد من آیند سپس پیامبر فرمودند: «خداوند صلی الله علیه و آله مولای من و من مولای هر مومنی هستم» سپس دست علی علیه السلام را گرفتند و فرمودند: «هرکس که من مولای اویم، این (علی علیه السلام) مولای او است، بار خدایا دوست بدار هر که را که علی علیه السلام را دوست دارد و دشمن بدار هر که را که او را دشمن دارد» (ابوظفیل می‌گوید): به زید بن ارقم گفتم: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدی؟ گفت: هر کسی که آنجا آن را با چشم خودش دید و با گوش‌های خودش شنید.

۶.۱.۳. ابوطاهر مقدسی (متوفای ۶۴۳ ق)

«أخبرنا الحافظ أبو طاهر أحمد بن محمد بن أحمد السلفی إجازة قال أنا أبو الفتح محمد بن أحمد بن محمد بن الحسين بن الحارث المعلم فيما قرأت عليه من أصل سماعه حدثكم أبو عبدالله الحسين بن أحمد بن محمد بن سعيد الرازی

إملاء ثنا أبو الحسن علي بن حسان بن القاسم الجدلي ببغداد ثنا أبو جعفر محمد بن عبد الله بن سليمان الحضرمي ثنا محمود بن غيلان ثنا الفضل بن موسى السيناني ثنا الأعمش عن سعيد بن وهب قال: قال علي عليه السلام أنشد الله من سمع رسول الله صلى الله عليه وآله يقول يوم غدیر خم: «الله وليي وأنا ولي المؤمنین من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره» قال فقال سعيد فقام إلى جنبى ستة قال: فقال زيد بن يثيع قام من عندى ستة سئل الدارقطنى عنه فقال حدث به الأعمش و شعبة و إسرائيل عن أبى إسحاق عن سعيد بن وهب عن على و ذكر ما فيه من الاختلاف قال و أشبهها بالصواب قول الأعمش و شعبة و إسرائيل و من تابعهم و قد روى نحو هذا عن عبدالرحمن بن أبى لیلی عن على عليه السلام. (إسناده صحيح) (همو، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۰۶) یعنی: ... اعمش از سعید بن وهب از علی عليه السلام نقل کرد که فرمود: کسانی را که روز غدیر خم سخنان رسول خدا صلى الله عليه وآله را شنیده که فرمود: «خداوند، ولی من و من ولی مؤمنین ام و هرکس که من مولای اویم، علی مولای او است، بار خدایا دوست بدار هرکس را که علی را دوست دارد و دشمن باش با هرکس که علی را دشمن دارد و یاور کسی باش که او را یاری کند»، سوگند می‌دهم (که آنچه شنیده شهادت دهد) سعید بن وهب گفت: از کنار من، شش نفر برخواسته (و شهادت دادند) و زید بن یثیع هم گفت: از کنار من شش نفر برخواستند ... اسناد این حدیث صحیح است.

أبو عبد الله محمد بن عبد الواحد بن أحمد حنبلي اسناد حسن عبارت «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» را در آثار خود جمع‌آوری کرده است (نک: همو، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۰۵ و ص ۱۷۳).

۲.۳. اسناد صحیح‌السند بودن دعای پیامبر ﷺ بعد از ابن تیمیّه

در این قسمت به اعتبارسنجی عالمان اهل تسنن از اواسط قرن هشتم به بعد اشاره خواهیم کرد؛ اینان یا با ابن تیمیه هم عصر بوده و یا بعد از او زیسته‌اند:

۱.۲.۳. ذهبی (متوفای ۷۴۷ ق)

وی هم دوره‌ی ابن تیمیه است و حدیث مورد بحث را صحیح معرفی می‌کند «و قد روی النسائی فی سننه، عن محمد بن المثنی عن یحیی بن حماد عن أبی معاویه، عن الاعمش، عن حبیب بن أبی ثابت، عن أبی الطفیل، عن زید بن أرقم، قال: لما رجع رسول الله من حجة الوداع و نزل غدیر خم أمر بدوحات فقممن ثم قال: «کأنی قد دعیت فأجبت إنی قد ترکت فیکم الثقلین: کتاب الله و عترتی أهل بیتی، فانظروا کیف تخلفونی فیهما فإنهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» ثم قال: «الله مولای و أنا ولی کل مؤمن» ثم أخذ بیید علی فقال: «من کنت مولاه فهذا ولیه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» فقلت لزید: سمعته من رسول الله ﷺ؟ فقال: ما کان فی الدوحات أحد إلا رآه بعینیه و سمعه بأذنیه؛ قال شیخنا أبو عبد الله الذهبی: و هذا حدیث صحیح» (همو، بی تا، ج ۴، ص ۴۱۶ (الف) و بی تا، ج ۵، ص ۲۰۹، (ب) یعنی: ... ابو طفیل از زید بن ارقم نقل کرد که زید گفت: وقتی رسول خدا ﷺ از حجة الوداع برگشت و وارد خم شد، اصحاب حضرت به دستور ایشان از تنه‌ی درختان سکویی بنا کردند حضرت بر بالای آن رفته و فرمود: «زمان فقدان من نزدیک شده، من شما را ترک خواهم کرد در حالی که دو چیز پر ارزش در میان شما باقی می‌گذارم که یکی از دیگری برتر است، کتاب خدای ﷻ و عترتم اهل بیتم، دقت کنید بعد از من با

این دو چه خواهید کرد، این دو هرگز از هم جدایی ندارند تا سرانجام در کنار حوض کوثر، نزد من آیند سپس پیامبر ﷺ فرمود: «خداوند ﷻ مولای من و من مولای هر مؤمنی هستم» سپس دست علی ﷺ را گرفت و فرمود: «هرکس که من مولای اویم، این (علی ﷺ) مولای او است، بار خدایا دوست بدار هر که را که علی ﷺ را دوست دارد و دشمن بدار هر که را که او را دشمن دارد» (ابوظفیل می‌گوید:) به زید بن ارقم گفتم: از رسول خدا ﷺ شنیدی؟ گفت: هر کس که آنجا بود، آن را با چشم خود دیده و با گوش‌هایش شنید؛ استاد ما ذهبی گفت: این حدیث صحیحی است.

«و عن الذهبي: أن «من كنت مولاه فعلى مولاه» متواتر أتقين أن رسول الله ﷺ قاله و أما «اللهم وال من والاه» فزيادة قوية الاسناد» (الألوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۹۵) یعنی: و از ذهبی نقل شده که گفت: عبارت «من كنت مولاه فعلى مولاه» متواتر و یقین دارم که رسول الله ﷺ، آن را فرموده است و اما «اللهم وال من والاه»، (که در دنباله‌ی آن آمده) اضافه‌ی قوی الاسنادی است.

۲.۲.۳. جمال‌الدین زیلعی (متوفای ۷۶۲ ق)

او، نام بیش از ده نفر از صحابه را برده و می‌گوید: تعداد دیگری را نیز از صحابه دیده‌ام که آن را نقل کرده‌اند: «الحديث التاسع: قال: و ذلك لدعوة نبينا «اللهم عاد من عاداه» قلت: روى من حديث زيد بن أرقم و من حديث البراء بن عازب و من حديث سعد بن أبي وقاص و من حديث طلحة بن عبيد الله و أبي سعيد الخدري و أبي هريرة و أنس بن مالك و ابن عمر و جرير بن عبد الله البجلي و جابر بن عبد الله و حذيفة بن أسيد الغفاري و حبشي بن جنادة ... ثم وقع لي

فی کتاب الموالاة للحافظ أبی العباس أحمد بن محمد بن سعید المعروف با بن عقدة فوجدته رواه عن جماعة آخرين من الصحابة رضوان الله عليهم أجمعين ...» (همو، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۲۳۴-۲۴۴) یعنی: حدیث نه‌م: زمخشری گفت: ذکر این حدیث به خاطر دعای پیامبر ﷺ در مورد علی عَلِيٍّ است که فرمود: «اللهم عاد من عاداه». من می‌گویم: این حدیث پیامبر ﷺ از زید بن أرقم (صحابی) و البراء بن عازب (صحابی) سعد بن أبی وقاص (صحابی) طلحة بن عبید الله (صحابی) و أبی سعید الخدری (صحابی) و أبی هريرة (صحابی) و أنس بن مالك (صحابی) و ابن عمر (صحابی) و جریر بن عبد الله البجلی (صحابی) و جابر بن عبد الله (صحابی) و حذيفة بن أسيد الغفاری (صحابی) و حبشی بن جنادة (صحابی)، روایت شده است ... و در کتاب الموالاة حافظ ابن عقده، جماعت دیگری از صحابه رضوان الله عليهم اجمعين را یافتیم که این حدیث را ابن عقده از آنان نقل نموده است. و ابن عبد البر نیز تعدادی از صحابه را نام می‌برد که این جمله را از رسول خدا ﷺ شنیده و نقل کرده‌اند: «و روی بریده و أبو هريرة و جابر و البراء بن عازب و زید بن أرقم کل واحد منهم عن النبی صلی الله علیه و سلم أنه قال يوم غدیر خم «من كنت مولاة فعلى مولاة اللهم وال من والاه و عاد من عاداه».

۳.۲.۳. ابن کثیر دمشقی سلفی (متوفای ۷۷۴ ق)

«و قال النسائی فی کتاب «خصائص علی»: حدثنا الحسين بن حرب، حدثنا الفضل بن موسى، عن الاعمش، عن أبی إسحاق، عن سعید بن وهب، قال: قال علی فی الرحبة: أنشد بالله رجلا سمع رسول الله يوم غدیر خم يقول: «إن الله ولی

المؤمنين و من كنت و ليه فهذا و ليه، اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه و انصر من نصره» و كذلك رواه شعبة عن أبي إسحاق و هذا إسناد جيد» (همو، بی تا، ج ۴، ص ۴۱۹). یعنی: سعید بن وهب نقل کرده است که علی ع در صحن مسجد فرمود: سوگند می‌دهم کسانی را که در روز غدیر خم سخنان رسول الله ص را شنیدند که می‌فرمود: «به راستی که خداوند، ولی مؤمنین است و هر کس که من مولای اویم، این (علی ع) مولای او است، بارخدا یا! دوست بدار هر که را که علی ع را دوست دارد و دشمن بدار هر که را که او را دشمن دارد» و هم چنین این حدیث را شعبه از ابواسحاق، روایت کرده است و این سندی، نیکو است.

۴.۲.۳. هیثمی (متوفای ۸۰۷ ق)

«باب قوله صلى الله عليه وسلم: «من كنت مولاة فعلى مولاة»: عن رباح بن الحارث قال جاء رهط إلى علي بالرحبة قالوا السلام عليك يا مولانا فقال: كيف أكون مولاكم و أنتم قوم عرب قالوا سمعنا رسول الله يوم غدیر خم يقول: «من كنت مولاة فهذا مولاة» قال رباح: فلما مضوا تبعتهم فقلت من هؤلاء قالوا نفر من الأنصار فيهم أبو أيوب الأنصاري، رواه أحمد و الطبرانی إلا أنه قال قالوا سمعنا رسول الله يقول: «من كنت مولاة فعلى مولاة اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» و هذا أبو أيوب بيننا فحسر أبو أيوب العمامة عن وجهه ثم قال سمعت رسول الله يقول: «من كنت مولاة فعلى مولاة اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» و رجال أحمد ثقات» (همو، ۱۴۰۷ ق، ج ۹، ص ۱۰۳). یعنی: باب قول پیامبر ص: «هر کس که من مولای اویم، علی مولای او است»: رباح نقل کرده که گروهی در صحن مسجد به نزد علی ع آمده و عرض کردند: سلام بر تو ای مولای ما،

علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: من چگونه مولای شما هستم در حالی که شما گروهی عرب هستید؟ گفتند: در روز غدیر از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدیم که می‌فرمود: «هر کس که من مولای اویم، علی مولای او است» رباح گفت: وقتی آنها رفتند، تعقیبشان کردم (و از چند نفر پرسیدم) اینها که هستند؟ گفتند: گروهی از انصارند که در میانشان ابویوب انصاری است. این حدیث را احمد بن حنبل و طبرانی، روایت کرده‌اند با این تفاوت که آن گروه گفتند: از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدیم که می‌فرمود: «هر کس که من مولای اویم، علی مولای او است، بارخدا یا دوست بدار هر که را که علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را دوست دارد و دشمن بدار هر که را که او را دشمن دارد» و این ابویوب است در حالی که عمامه‌اش را از چهره‌اش برداشت، گفت: از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شنیدم که می‌فرمود: «هر کس که من مولای اویم، علی مولای او است، بارخدا یا دوست بدار هر که را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر که را که او را دشمن دارد» و راویان احمد بن حنبل، موثق‌اند.

«و عن عمرو بن ذی مرو سعید بن وهب و عن زید بن بئیع قالوا سمعنا علیاً یقول نشدت الله رجلا سمع رسول الله یقول یوم غدیر خم لما قام فقام ثلاثة عشر رجلا فشهدوا أن رسول الله قال: «ألسنت أولى بالمؤمنین من أنفسهم» قالوا بلی یا رسول الله قال: «فأخذ بید علی فقال: «من كنت مولاه فهذا مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و أحب من أحبه و أبغض من یبغضه و انصر من نصره و اخذل من خذله»؛ رواه البزار و رجاله رجال الصحیح غیر فطر بن خلیفة و هو ثقة». (همو، ۱۴۰۷ ق، ج ۹، ص ۱۰۴ و ۱۰۵) یعنی: عمرو بن ذی مرو سعید بن وهب و زید بن بئیع گفتند که ما شنیدیم که علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرمود: سوگند می‌دهم کسی را که سخن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در روز غدیر خم آن هنگام که ایستاده بود،

شنید بلافاصله سیزده مرد برخواسته و شهادت دادند که رسول خدا ﷺ فرمود: «آیا من از مؤمنین به خودشان، اولی نیستم؟» همه گفتند: آری ای رسول خدا، پیامبر ﷺ فرمود: «خدایا هر کس که من مولای اویم، علی مولای او است، بار خدایا! دوست بدار هر کس که او را دوست دارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن دارد و دوستدار کسی باش که او را دوست دارد و کسی را مبعوض بدار که او را مبعوض دارد و یاور کسی باش که یاور او است و خوارگردان کسی را که او را خوار گرداند». این حدیث را بزار، نقل کرده که روایانش همه صحیح‌اند به جز فطر بن خلیفه که او هم موثق است.

«و عن عبدالرحمن بن أبی لیلی قال شهدت علیا فی الرحبة یناشد الناس أنشد الله من سمع رسول الله ﷺ یقول فی یوم غدیر خم: «من كنت مولاه فعلى مولاه» لما قام فشهد قال عبدالرحمن فقام اثنا عشر بدريا كأنی أنظر إلى أحدهم علیه سراويل فقالوا: نشهد أنا سمعنا رسول الله ﷺ یقول یوم غدیر خم: «أأنت أولى بالمؤمنین من أنفسهم وأزواجی أمهاتهم» قلنا بلی یا رسول الله قال: «فمن كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه»، رواه أبو یعلی و رجاله و ثقوا» (الهیثمی، ۱۴۰۷ ق، ج ۹، ص ۱۰۶). یعنی: عبدالرحمن بن أبی لیلی گفت: علی را در صحن مسجد دیدم که مردم را سوگند می‌داد و می‌فرمود: به خدا سوگند می‌دهم کسی را که از رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم شنید در حالی که ایستاده بودند: «هر که من مولای اویم، علی مولای او است» عبدالرحمن بن أبی لیلی گفت: دوازده نفر از صحابه‌ی پیامبر ﷺ که در جنگ بدر حضور داشتند بر خواستند. گویا هم‌اکنون هر کدامشان را در حالی که بر سرشان رواندازی بود، می‌نگرم. و گفتند: شهادت می‌دهیم که از رسول خدا ﷺ، در روز غدیر خم

شنیدیم که می فرمود: «آیا من از مؤمنین یه خودشان، اولی و سزاوارتر نیستم و همسرانم مادران مومنین نمی باشند؟ گفتیم: آری ای رسول خدا! پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «خدایا هر کس که من مولای اویم، علی ﷺ مولای او است، بارخدایا! دوست بدار هر کس که او را دوست دارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن دارد»، این حدیث را ابویعلی روایت کرده و تمامی راویان آن تو ثیق شده اند.

«و عن زید بن أرقم قال: نشد علی الناس، أنشد الله رجلا سمع النبي ﷺ يقول: «من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» فقام اثنا عشر بدریا فشهدوا بذلك و كنت فيمن كتم فذهب بصرى.

رواه الطبرانی فی الكبير و الأوسط خالیا من ذهاب البصر و الکتمان و دعاء علی و فی رواية عنده و كان علی دعا علی من کتم و رجال الأوسط ثقات» (همان، ص ۱۰۶). یعنی: زید بن ارقم گفت: علی ﷺ مردم را سوگند داد و فرمود: به خدا سوگند می دهم کسی را که از رسول خدا ﷺ در روز غدیر خم شنید که فرمود: هر که من مولای اویم، علی مولای او است، بارخدایا! دوست بدار هر کس که او را دوست دارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن دارد» بلافاصله دوازده نفر که در جنگ بدر به همراه رسول خدا ﷺ حضور داشتند، برخاسته و به آن شهادت دادند و من از کسانی بودم که این شهادت را کتمان نمودم لذا بینایی ام را از دست دادم. این روایت را طبرانی در دو کتاب المعجم الكبير و المعجم الاوسط، روایت کرده اما از بین رفتن بینایی و کتمان زید بن ارقم و نفرین علی ﷺ در آن نیامده است البته در حدیث دیگر که طبرانی آن را روایت کرده، علی ﷺ، کتمان کننده را نفرین نمودند و روات معجم الاوسط، موثق اند.

«و عن حبشی بن جنادة قال سمعت رسول الله ﷺ يقول يوم غدیر خم: «اللهم من كنت مولاہ فعلى مولاہ اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وانصر من نصره و أعن من أعانہ»، رواه الطبرانی و رجاله وثقوا». (همان) یعنی: حبشی بن جنادة (صحابی) گفت: روز غدیر خم از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود: «هر که من مولای اویم، علی مولای او است، بارخدا یا! دوست بدار هر کس که او را دوست دارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن دارد» این حدیث را طبرانی، روایت کرده است و راویان آن توثیق شده اند.

هیثمی هم چنین برخی نقل های حسن را پیرامون عبارت «اللهم من كنت مولاہ فعلى مولاہ اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» در ادامه می آورد (نک: همان، ص ۱۰۷) هم چنین (همو، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۳۵۳ و ۳۵۵). وی هم چنین اعتراف می کند که بیش از سی نفر از صحابه حدیث غدیر را همراه با جمله‌ی «اللهم وال من والاه..» نقل کرده اند: «الحدیث الرابع قال ﷺ یوم غدیر خم: «من كنت مولاہ فعلى مولاہ اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» الحدیث و قد مر... أنه رواه عن النبی ﷺ ثلاثون صحابياً» (همان).

۵.۲.۳. عاصمی مکی (متوفای ۱۱۱۱ ق)

«... لفظه عند الطبرانی بسند صحیح أنه خطب بغدیر خم ثامن عشر ذی الحجة مرجعه من حجة الوداع تحت شجرات برح له ما تحتها بعد صلاة الظهر فقال: «أیها الناس إنه قد نبأنی اللطیف الخبیر أنه لم یعمر نبی إلا نصف عمر الذی یلیه من قبله و إنی لأظن أنى یوشک أن أدعى فأجیب و إن مسئول و إنکم مسؤولون فماذا أنتم قائلون قالوا نشهد أنك قد بلغت و جهدت و نصحت فجزاك

الله خیرا فقال: «ألستم تشهدون أن لا إله إلا الله وأن محمدا عبده ورسوله وأن جنته حق و نارہ حق و أن الموت حق و أن البعث بعد الموت حق و أن الساعة آتية لا ريب فيها و أن الله يبعث من فی القبور» قالوا: بلى نشهد بذلك قال: «اللهم اشهد» ثم قال: «أيها الناس إن الله مولای و أنا مولى المؤمنین و أنا أولى بهم من أنفسهم» و فی رواية «ألستم تعلمون أنى أولى بالمؤمنین من أنفسهم» قالوا: بلى قال: «فمن كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من و آله و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله و أدر الحق معه أينما دار» ثم قال: «أيها الناس إنى فرطکم و إنکم واردون على الحوض حوضا عرضه كما بین بصرى إلى صنعاء فيه عدد نجوم السماء قدحان من فضة و إنى سائلکم حين تردون على و إنى تارک فيکم الثقلين فانظروا كيف تخلفونى فيهما الثقل الأكبر کتاب الله ﷻ سبب طرفه بيد الله و طرفه بأيديکم فاستمسکوا به لا تضلوا و لا تبدلوا و عترتى أهل بيتى فإنه قد نبأنى اللطيف الخبير أنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض» (الشافعى العاصمى، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۳۷۹) يعنى: لفظا اين حديث، طبق آنچه در کتاب طبرانى با سند صحيح آمده است اين است که رسول خدا ﷺ، در روز هجدهم ذى حجه، زمان بازگشت از حجة الوداع در غدير خم، زير سایه‌ی درختان، بعد از نماز ظهر، خطبه خواندند و فرمودند: «ای مردم ... به زودى از میان شما خواهم رفت، ما و شما مسئولیم ... سپس فرمودند: ای مردم! خدا مولای من و من مولای مؤمنین و از خودشان به خودشان، اولی هستم» ... گفتند: آرى ای رسول خدا! پیامبر ﷺ فرمود: «هر که من مولای اویم، على مولای او است بارالها! دوست بدار کسی را که او را دوست دارد و دشمن بدار کسی را که او را دشمن دارد و یاور کسی باش که یاور او است و خوار کن کسی را که او را خوار کند و هر کجا که هست

حق را با او بدار»...

۶.۲.۳. عجلونی (متوفای ۱۱۶۲ ق)

«من كنت مولاة فعلى مولاة» رواه الطبرانی و أحمد و الضیاء فی المختارة عن زید بن أرقم و علی و ثلاثین من الصحابة بلفظ «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» فالحدیث متواتر أو مشهور» (همو، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۳۶۱) یعنی: حدیث: «من كنت مولاة فعلى مولاة» را طبرانی و احمد و ضیاء در کتابش المختارة، از زید بن ارقم و علی و سی نفر از صحابه نقل کرده‌اند، پس حدیث متواتر و مشهور است.

۷.۲.۳. ألبانی (متوفای ۱۹۹۹ م)

به نظر می‌رسد او در عصر حاضر بیش از همه بر نقل طرق و اسناد حدیث در میان اهل تسنن تلاش کرده است:

«۱۷۵۰- «من كنت مولاة، فعلى مولاة، اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه» ورد من حدیث زید بن أرقم و سعد بن أبی وقاص و بريدة بن الحصیب و علی بن أبی طالب و أبی أيوب الأنصاری و البراء بن عازب و عبد الله بن عباس و أنس بن مالك و أبی سعید و أبی هريرة» یعنی: این حدیث از (چندین صحابی از جمله: زید بن أرقم و سعد بن أبی وقاص و بريدة بن الحصیب و علی بن أبی طالب رضی الله عنه و أبی أيوب الأنصاری و البراء بن عازب و عبد الله بن عباس و أنس بن مالك و أبی سعید و أبی هريرة، روایت شده است- که به بعضی از آنها اشاره‌ای می‌شود- حدیث زید و له عنه طرق خمس: الأولى: ... عن أبی الطفیل قال: جمع

علی رضی الله عنه الناس فی الرحبة ثم قال لهم: أنشد الله كل امرئ مسلم سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدیر خم ما سمع لما قام فقام ثلاثون من الناس ... فشهدوا حين أخذ بيده فقال للناس: «أتعلمون أنى أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟» قالوا: نعم يا رسول الله، قال: «من كنت مولاه، فهذا مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» قال: فخرجت و كأن فى نفسى شيئا، فلقيت زيد بن أرقم، فقلت له: إني سمعت عليا يقول كذا و كذا قال: فما تنكر، قد سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ذلك له... قلت: و إسناده صحيح على شرط البخارى» يعنى: حديث زيد (بن ارقم) که خود دارای پنج طریق است: طریق اول: ... ابوظفیل نقل می‌کند که علی رضی الله عنه مردم را در صحن مسجد جمع کرد و فرمود: هر مسلمانی را که در روز غدیر خم، سخنان رسول الله صلى الله عليه وسلم را شنید، سوگند می‌دهم، سی نفر از مردم برخاسته و شهادت دادند که رسول الله صلى الله عليه وسلم هنگامی که دست علی رضی الله عنه را گرفتند، خطاب به مردم فرمودند: «آیا من از مؤمنین یه خودشان، اولی نیستم؟» همگی گفتند: آری، ای رسول الله! فرمود: هر کس که من مولای اویم، علی مولای او است بارخدا یا دوست بدار هر کس را که او را دوست دارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن دارد» ابوظفیل می‌گوید: از آن مجلس خارج شدم در حالی این سخنان پیامبر صلى الله عليه وسلم برایم گران آمده بود، بعد از آن زید بن ارقم (صحابی) را دیدم و گفتم: از علی رضی الله عنه شنیدم که چنین و چنان می‌گفت، زید بن ارقم گفت: انکارش مکن من خود از رسول خدا صلى الله عليه وسلم شنیدم که این سخنان را در مورد علی رضی الله عنه می‌فرمود ... من (البانی) می‌گویم: این حدیث طبق شرط بخاری در تصحیح احادیث، صحیح است.

«سعد بن أبی وقاص، و له عنه ثلاث طرق: الثانية: عن عبد الواحد بن أيمن

عن أبيه به أخرجه النسائي في الخصائص وإسناده صحيح أيضا، رجاله ثقات رجال البخاري غير أيمن والد عبد الواحد وهو ثقة كما في التقريب». یعنی: سعد بن ابی و قاص که خود دارای سه طریق است: طریق دوم: از عبد الواحد بن ایمن که او از پدرش و او از سعد بن ابی و قاص، این حدیث را با این طریق نسایی در خصائص امیرالمومنین عليه السلام نقل کرده است و هم چنین اسناد آن نیز، صحیح است، راویان آن همگی، راویان بخاری اند جز ایمن پدر عبد الواحد که او همان طور که در کتاب تقرب التهذیب (ابن حجر عسقلانی) آمده است (اگرچه از راویان، بخاری نیست)، موثق است.

«علی بن ابی طالب، و له عنه تسع طرق: السادسة: عن عبد الرحمن بن أبی لیلی قال: «شهدت علياً عليه السلام في الرحبة ينشد الناس ... أخرجه عبد الله بن أحمد (۱۱۹ / ۱) من طريق يزيد بن أبی زیاد و سماک بن عبید بن الولید العبسی عنه. قلت: و هو صحيح بمجموع الطريقين عنه». یعنی: علی بن ابی طالب عليه السلام که خود دارای نه طریق است: طریق ششم: عبد الرحمن بن ابی لیلی گفت: در صحن مسجد، علی عليه السلام را دیدم که مردم را سوگند می داد ... این حدیث را عبدالله بن احمد در جلد ۱، صفحه ۱۱۹، از طریق یزید بن ابی زیاد و سماک بن عبید بن الولید العبسی از عبد الرحمن بن ابی لیلی، روایت کرده است. من (ألبانی) می گویم: این حدیث با هر دو طریق آن، صحیح است.

و در پایان، مطالب خود را در مورد این حدیث، جمع بندی می کند: «و للحدیث طرق أخرى كثيرة جمع طائفة كبيرة منها، الهیثمی فی المجمع (۹ / ۱۰۳ - ۱۰۸) و قد ذكرت و خرجت ما تيسر لي منها مما يقطع الواقف عليها بعد تحقيق الكلام على أسانيدھا بصحة الحديث يقينا و إلا فهي كثيرة جدا، و قد استوعبها ابن

عقدة فی کتاب مفرد، قال الحافظ ابن حجر: منها صحاح و منها حسان و جملة القول أن حدیث الترجمة حدیث صحیح بشرطیه، بل الأول منه متواتر عنه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كما ظهر لمن تتبع أسانیده و طرقة، و ما ذكرت منها كفاية». یعنی: این حدیث، طرق‌های فراوان دیگری نیز دارد که هیثمی در مجمع الزوائد ج ۹ ص ۱۰۳ الی ۱۰۸، بسیاری از آنها را، جمع‌آوری نموده است من هم آن مقدار را که برایم مقدور بود، آوردم، احادیثی که اگر کسی آنها را ببیند و در موردشان تحقیق کند، یقین خواهد کرد که اسناد آن یقیناً صحیح است، (و نتوانسته‌ام همه‌ی طریق‌ها را بیاورم) زیرا که واقعاً زیادند و ابن عقده در مورد این حدیث کتاب مستقلی، تألیف کرده و تمام طریق‌های این حدیث را جمع‌آوری نموده است و حافظ ابن حجر در مورد این احادیث گفته است: بعضی از آنها، صحیح و بعضی حسن هستند، خلاصه‌ی کلام اینک: هر دو جزء این حدیث (۱) «من كنت مولاه، فعلى مولاه» و (۲) «اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه»، صحیح است بلکه جزء اول آن («من كنت مولاه، فعلى مولاه»)، از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ متواتر است، و این مطلب برای کسی که در اسناد و طرق این حدیث، جستجو کند، روشن می‌شود و این مقدار که من ذکر کردم، کافی است..» (همو، الف)، ج ۴ ص ۲۴۹).

«[من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه] صحیح، انظر طرقة و شواهده فی الكتاب فهی كثيرة و أولها عن أبی الطفیل عنه قال: لما دفع النبى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ من حجة الوداع و نزل غدیر خم أمر بدوحات فقممن ثم قال: «كأنى دعيت فأجبت و إنى تارك فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله و عترتى أهل بيتى فانظروا كيف تخلفونى فيهما فإنهما لن ينفرقا حتى يردا على الحوض» ثم قال: «إن الله مولائى و أنا ولى كل مؤمن ثم إنه أخذ بيد على صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فقال: «من كنت و ليه فهذا و ليه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» صحیح (همان، ۳۳۰). یعنی: حدیث «من كنت مولاہ فعلى مولاہ اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» حدیثی صحیح است به طرق و شواهدش که در این کتاب که بسیارند، نگاه کن اولین آنها، روایت ابوظفیل است که مضمون آن این است که، وقتی پیامبر ﷺ از حجة الوداع بر می‌گشتند و وارد غدیر خم شدند، اصحاب حضرت به دستور ایشان از تنه‌ی درختان سکویى بنا کردند حضرت بر بالای آن رفته و فرمودند: «زمان رحلت من نزدیک شده، من شما را ترک خواهم کرد و دو چیز پر ارزش در میان شما باقی می‌گذارم که یکی از دیگری برتر است، کتاب خدای ﷻ و عترتم اهل بیتم، دقت کنید بعد از من با این دو چه خواهید کرد، این دو هرگز از هم جدایی ندارند تا سرانجام در کنار حوض کوثر، نزد من آیند سپس پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «خداوند ﷻ مولای من و من مولای هر مؤمنی هستم» سپس دست علی را گرفتند و فرمودند: «هرکس که من مولای اویم، این (علی) مولای او است، بار خدایا دوست بدار هر که را که علی را دوست دارد و دشمن بدار هر که را که او را دشمن دارد»؛ این حدیث، صحیح است.

«من كنت مولاہ فعلى مولاہ اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» و هو حدیث صحیح غایه، جاء من طرق جماعة من الصحابة، خرجت أحاديث سبعة منهم و لبعضهم أكثر من طریق واحد و قد خرجتها كلها و تكلمت على أسانیدها فى سلسلة الأحاديث الصحيحة (ظلال الجنة، ج ۲، ص ۳۳۸) یعنی: حدیث «من كنت مولاہ فعلى مولاہ اللهم وال من والاه و عاد من عاداه»، در بالاترین مرتبه‌ی، صحت است، و از طریق جماعتی از صحابه روایت شده است که من هفت حدیث از آنها را آورده‌ام و برای بعضی از این احادیث، بیش از یک طریق وجود

دارد که من تمام طریق‌های آن حدیث را آورده‌ام و در مورد سندهایشان در کتاب سلسله‌ی احادیث صحیح، سخن گفته‌ام.

«حدثنا علي بن محمد حدثنا أبو الحسين أخبرني حماد بن سلمة عن علي بن زيد ابن جدعان عن عدی بن ثابت عن البراء بن عازب قال: أقبلنا مع رسول الله ﷺ في حجة التي حج فنزل في بعض الطريق فأمر الصلاة جامعة فأخذ بيد علي بن أبي طالب فقال: «أأنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم» قالوا: بلى قال: «أأنت أولى بكل مؤمن من نفسه» قالوا بلى قال: «فهذا ولي من أنا مولاه اللهم وال من والاه اللهم عاد من عاداه» (صحيح) (ابن ماجه، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۲۶). یعنی: ... براء بن عازب گفت: به همراه رسول خدا ﷺ، در مسیر بازگشت از حج‌شان بودیم، در منزلی (از منازل بین راه) توقف کردیم و رسول خدا ﷺ دستور دادند که نماز (ظهر و عصر) با هم خوانده شود سپس دست علی بن ابی‌طالب را گرفته و فرمودند: «آیا من از مؤمنین به خودشان اولی نیستم؟» گفتند: آری، فرمود: «آیا من از هر مؤمنی به خودش، اولی نیستم؟» گفتند: آری، فرمود: «این (علی) ولی کسی است که من مولای اویم، بارخدا! دوست بدار کسی را که او را دوست دارد و دشمن باش با کسی که با او دشمن است» این حدیث، صحیح است.

۴. نقد صریح ابن تیمیّه

به جز البانی برخی از حدیث پژوهان اهل تسنن با توجه به تسلطی که بر متون حدیثی داشته‌اند بعد از بررسی‌های انجام‌شده نظر ابن تیمیه را مردود اعلام کرده‌اند؛ برخی از نظرات به شرح زیر است:

۱.۴. ابن حجر مکی متوفای (۹۴۷ ق)

«و قول بعضهم إن زیادة «اللهم وال من والاه الخ» موضوعة، مردود فقد ورد ذلك من طرق صحیح الذهبی کثی را منها» (همو، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۱۶۴) یعنی: ... و حرف بعضی ها که گفته اند: اضافه ی «اللهم وال من والاه الخ» جعلی و دروغ است، مردود است به راستی که این زیادی از طریقی وارد شده که بسیاری از طرق آن را ذهبی، تصحیح کرده است.

۲.۴. ملا علی قاری (متوفای ۱۰۱۴ ق)

«... ثم قول بعضهم إن زیادة: «اللهم وال من والاه» موضوعة، مردودة، فقد ورد ذلك من طرق صحیح الذهبی کثی را منها» (همو، ۱۴۲۲ ق، ج ۱۱، ص ۲۵۸) یعنی: ... حرف های بعضی که گفته اند: اضافه ی «اللهم وال من والاه الخ» جعلی و دروغ است، مردود است به راستی که این زیادی از طریقی وارد شده که بسیاری از طرق آن را ذهبی، تصحیح کرده است.

۳.۴. برهان الدین حلبی (متوفای ۱۰۴۴ ق)

«... و قول بعضهم إن زیادة «اللهم وال من والاه إلى آخره» موضوعة، مردود فقد ورد ذلك من طرق صحیح الذهبی کثیرا منها» (همو، ۱۴۰۰ ق، ج ۳، ص ۳۳۶) یعنی: ... و حرف بعضی ها که گفته اند: اضافه ی «اللهم وال من والاه الخ» جعلی و دروغ است، مردود است به راستی که این زیادی از طریقی وارد شده که بسیاری از طرق آن را ذهبی، تصحیح کرده است.

۴.۴. محمد ناصرالدین البانی

البانی از علمای طراز اول و معاصر اهل تسنن؛ او بعد از ذکر اسناد و طرق فراوان حدیث «من كنت مولاه، فعلى مولاه، اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه»، نتیجه‌گیری کرده و می‌نویسد: «... و جملة القول ان حدیث الترجمة حدیث صحیح بشطریه، بل الاول منه متواتر عنه صلى الله عليه و سلم كما ظهر لمن تتبع اسانیده و طرقه و ما ذكرت منها كفاية؛ خلاصه کلام اینک: هر دو جزء این حدیث («من كنت مولاه، فعلى مولاه» و «اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه»)، صحیح است بلکه جزء اول آن («من كنت مولاه، فعلى مولاه»)، از پیامبر ﷺ متواتر است، و این مطلب برای کسی که در اسناد و طرق این حدیث، جستجو کند، روشن می‌شود و این مقدار که من ذکر کردم، کافی است». او بلافاصله پس از این نتیجه‌گیری، انگیزه‌اش را از بررسی اسناد این احادیث، بیان می‌کند: «اذا عرفت هذا، فقد كان الدافع لتحرير الكلام على الحديث و بيان صحته، اننى رايت شيخ الاسلام بن تيمية، قد ضعف الشطر الاول من الحديث و اما الشطر الآخر، فزعم انه كذب! و هذا من مبالغته الناتجة فى تقديرى من تسرعه فى تضعيف الاحاديث قبل ان يجمع طرقها و يدقق النظر فيها و الله المستعان» يعنى: حال که اسناد و طرق این حدیث را شناختی، باید بگویم: انگیزه من از نوشتن این مطالب، پیرامون این حدیث و بیان صحت آن، این است که دیدم شیخ الاسلام ابن تیمیه، جزء اول آن («من كنت مولاه، فعلى مولاه») را ضعیف شمرده و هم‌چنین گمان کرده، جزء دوم آن («اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه»)، دروغ و کذب است، به نظر من، منشاء این ادعای او، زیاده‌روی است که در اثر شتاب‌زدگی او در تضعیف احادیث، قبل از جمع کردن اسناد و طرق یک حدیث و

دقت و تأمل در آنها، صورت گرفته است» (البانی، (ب) ج ۴، ص ۳۴۳).

دلایل ادعای ابن تیمیه

دلایل متعددی برای بر عدم پذیرش عبارت «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» توسط ابن تیمیه می‌توان برشمرد که به اجمال در ذیل به آن اشاره می‌شود:

۱- در صورت پذیرفتن ادامه‌ی کلام پیامبر ﷺ حقایق شیعه اثبات می‌شود.

۲- با تقطیع قسمت اول حدیث در منابع مختلف با عنوان حدیث غدیر «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»، می‌توان آن را توجیه کرد که ولی به معنای دوست است.

۳- در صورت قبول قسمت دوم حدیث غدیر عملکرد صحابه بعد از پیامبر ﷺ مورد نقدی جدی قرار می‌گیرد، عملکردی که منجر به حمله بر منزل حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ، آتش گشودن، سقط فرزند و در نتیجه شهادت ایشان شد.

۴- در صورت پذیرش قسمت دوم حدیث غدیر، عدالت صحابه‌ی برپا کنندگان صفین، نهروان و جمل زیر سوال می‌رود.

۵- با پذیرفتن این عبارت هیچ گزاره‌ی قابل دفاعی در اهل تسنن باقی نمی‌ماند چون خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ (الحشر، ۷)

۵. نتیجه‌گیری

اعترافات علما و دانشمندان نام‌آور اهل تسنن که در علم حدیث و رجال

خبره‌ی فن هستند، درباره‌ی حدیث غدیر اشاره به قرار داشتن دعای پیامبر ﷺ در حق امام علی ﷺ است که: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَأَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»

ابن تیمیّه اگر چه سنگ سلف بر سینه می‌زند اما به منابع پیشینیان در حدیث غدیر بی‌توجه است. این رویکرد حتی باعث نقد عالمان بعد از وی شده است، برخی اسناد صحیح حدیث را آورده‌اند و برخی به نقد آشکار او پرداخته‌اند. انکار این تعبیر در حدیث صحیح‌السند غدیر، اولاً: ناشی از مخالفت و عداوت او با امام علی ﷺ است، ثانیاً: حاکی از عملکرد ناشیانه‌ی او در دفاع نابه‌حق از صحابه در نبردهای صفین، نهروان و جمل است.

تقطیع یا حذف حدیث غدیر شاید بتواند منجر به هدایت مردم به سوی اندیشه‌های سلفی شود اما نمی‌توان چشم بر سایر اعترافات دانشوران سنی بست. دعای پیامبر ﷺ در غدیر در حق دوست داشتن دوستداران امام علی ﷺ و دشمن داشتن دشمنان امام علی ﷺ عدالت صحابه را زیر سؤال می‌برد و یا حداقل مرزبندی مشخصی برای تعریف صحابه از منظر رسول خدا ﷺ ترسیم می‌کند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. الآجری، ابی بکر محمد بن الحسین (متوفای ۳۶۰ ق)، الشریعة، تحقیق: الدكتور عبد الله بن عمر سلیمان الدمیجی، الرياض: دار الوطن، الطبعة الثانية، ۱۴۲۰ ق - ۱۹۹۹ م.

۳. الآلوسی البغدادی، العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۴. ابن أبی شیببة الکوفی، أبوبکر عبدالله بن محمد، کتاب المصنف فی الأحادیث و الآثار، تحقیق: کمال یوسف الحوت، ریاض: مکتبة الرشد، الطبعة الأولى، ۱۴۰۹ ق.
۵. ابن تیمیة الحرانی، أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم، منهاج السنة النبویة، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، مؤسسة قرطبة، الطبعة الأولى، ۱۴۰۶ ق.
۶. همو، الصارم المسلول علی شاتم الرسول، محقق: محمد محی الدین عبدالحمید، السعودیة: الحرس الوطنی، ۱۴۰۳ ق- ۱۹۸۳ م.
۷. ابن حبان، ابن أحمد أبو حاتم التیمی البستی (متوفای ۳۵۴ ق)، الصحیح، تحقیق: شعیب الأرنبوط، بیروت: مؤسسة الرسالة الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ ق- ۱۹۹۳ م.
۸. ابن حجر عسقلانی، أحمد بن علی (متوفای ۸۵۲ ق)، المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانية، تحقیق: د. سعد بن ناصر بن عبد العزیز الشتری، السعودیة: دار العاصمة و دارالغیث، الطبعة الأولى، ۱۴۱۹ ق.
۹. ابن حجر الهیثمی، أبو العباس أحمد بن محمد بن علی (متوفای ۹۷۳ ق)، الصواعق المحرقة علی أهل الرفض و الضلال و الزندقه، تحقیق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي و کامل محمد الخراط، لبنان: مؤسسہ الرساله، الطبعة الأولى، ۱۴۱۷ ق- ۱۹۹۷ م.
۱۰. ابن حزم اندلسی، علی بن أحمد بن سعید بن حزم الطاهری أبو محمد (متوفای ۵۴۸ ق)، الفصل فی الملل و الأهواء و النحل، القاهرة: مکتبة الخانجی، بی تا.

۱۱. ابن عبدالبر، یوسف بن عبد الله بن محمد (متوفای ۴۶۳ ق)، *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل، الطبعة الأولى، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. ابن عدی، ابواحمد الجرجانی، *الکامل فی ضعفاء الرجال*، بیروت: الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق- ۱۹۹۷ م.
۱۳. ابن عساکر، أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی (متوفای ۵۷۱ ق)، *تاریخ مدینة دمشق و ذکر فضلها و تسمیة من حلها من الأمائل*، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، بیروت: دار الفکر، ۱۹۹۵ م.
۱۴. ابن کثیر الدمشقی، أبو الفداء إسماعیل بن عمر القرشی (متوفای ۷۷۴ ق)، *السيرة النبوية*، بیروت: مكتبة المعارف، بی تا، (الف).
۱۵. همو، *البدایة و النهایة*، بیروت: مكتبة المعارف، بی تا، (ب).
۱۶. ابن ماجه القزوینی، محمد بن یزید (متوفای ۲۷۵ ق)، *السنن*، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۱۷. أبو یعلی الموصلی التمیمی، أحمد بن علی بن المثنی، *المسند*، تحقیق: حسین سلیم أسد، دمشق: دار المأمون للتراث، الطبعة الأولى، ۱۴۰۴ ق - ۱۹۸۴ م.
۱۸. أحمد بن حنبل، أبو عبدالله الشیبانی (متوفای ۲۴۱ ق)، *المسند*، مصر: مؤسسة قرطبة.
۱۹. همو، *فضائل الصحابة*، تحقیق: د. وصی الله محمد عباس بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى، ۱۴۰۳ ق - ۱۹۸۳ م.
۲۰. الألبانی، محمد ناصر، *الصحيح*، طبق برنامه المكتبة الشاملة، (الف)
۲۱. همو، *السلسلة الصحيحة*، طبق برنامه المكتبة الشاملة، (ب)

۲۲. امینی، عبدالحسین، *الغدیر فی الكتاب و السنة و الأدب*، تہران: بعثت، ۱۳۹۱ ش.

۲۳. البزار، أبو بکر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق، *البحر الزخار (مسند بزار)*، تحقیق: د. محفوظ الرحمن زین اللہ، بیروت: مؤسسة علوم القرآن، مكتبة العلوم والحکم، الطبعة الأولى، ۱۴۰۹ ق.

۲۴. التفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر بن عبد اللہ، *شرح المقاصد فی علم الکلام*، پاکستان، دار المعارف النعمانية، الطبعة الأولى، ۱۴۰۱ ق - ۱۹۸۱ م.

۲۵. ثعالبی، عبد الرحمن بن محمد بن مخلوف (متوفای ۸۷۵ ق)، *الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بی تا.

۲۶. الثعلبی، النیسابوری أبو إسحاق أحمد بن محمد بن إبراهيم، *الکشف و البیان (تفسیر الثعلبی)*، تحقیق: الإمام أبی محمد بن عاشور، مراجعة و تدقیق: الأستاذ نظیر الساعدی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الأولى، ۱۴۲۲ ق - ۲۰۰۲ م.

۲۷. جرجانی، المرشد بالله یحیی بن الحسین بن إسماعیل الحسنی الشجرى (متوفای ۴۹۹ ق)، *كتاب الأمالی و هی المعروفة باأمالی الخمیسية*، تحقیق: محمد حسن اسماعیل، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى، ۱۴۲۲ ق - ۲۰۰۱ م.

۲۸. الجزری، عز الدین بن الأثیر أبی الحسن علی بن محمد (متوفای ۶۳۰ ق)، *أسد الغابة في معرفة الصحابة*، تحقیق: عادل أحمد الرفاعی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الأولى، ۱۴۱۷ ق - ۱۹۹۶ م.

۲۹. الحاکم النیسابوری، محمد بن عبد اللہ أبو عبد اللہ (متوفای ۴۰۵ ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق: مصطفى عبد القادر، بیروت: دار

- الکتب العلمیة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۱ ق - ۱۹۹۰ م.
۳۰. حلبی، علی بن برهان الدین (متوفای ۱۰۴۴ ق)، *السیرة الحلبیة فی سیرة الأئمة*، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۰ ق.
۳۱. ذهبی، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان (متوفای ۷۴۸ ق)، *تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق: د. عمر عبد السلام تدمری، لبنان: دار الكتاب العربی، الطبعة الأولى، ۱۴۰۷ ق - ۱۹۸۷ م.
۳۲. الزیلعی، جمال الدین عبد الله بن یوسف بن محمد (متوفای ۷۶۲ ق)، *تخریج الأحادیث و الآثار الواقعة فی تفسیر الکشاف للزمخشری*، تحقیق: عبد الله بن عبد الرحمن السعد، ریاض: دار ابن خزیمة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۴ ق.
۳۳. سیوطی، جلال الدین (متوفای ۹۱۱ ق)، *الدر المنثور*، بیروت: دار الفکر، ۱۹۹۳ م.
۳۴. همو، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق: محمد محی الدین عبد الحمید، مصر: مطبعة السعادة، الطبعة الأولى، ۱۳۷۱ ق - ۱۹۵۲ م.
۳۵. طبرانی، سلیمان بن أحمد بن آیوب أبو القاسم (متوفای ۳۶۰ ق)، *المعجم الكبير*، تحقیق: حمدی بن عبد المجید السلفی، الموصل: دار النشر مكتبة الزهراء، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ ق - ۱۹۸۳ م.
۳۶. الطحاوی، أبو جعفر أحمد بن محمد بن سلامة (متوفای ۳۲۱ ق)، *شرح مشکل الآثار*، تحقیق: شعیب الأرنبوط، لبنان: مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى، ۱۴۰۸ ق - ۱۹۸۷ م.
۳۷. العاصمی المکی، عبد الملك بن حسین بن عبد الملك الشافعی، *سمط النجوم العوالی فی أنباء الأوائل و التوالی*، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ ق - ۱۹۹۸ م.

۳۸. العجلونی الجراحی، إسماعیل بن محمد، كشف الخفاء و مزیل الإلباس عما اشتهر من الأحادیث على السنة الناس، تحقیق: أحمد القلاش، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۵ ق.
۳۹. همو، كشف الخفاء و مزیل الإلباس عما اشتهر من الأحادیث على السنة الناس، تحقیق: أحمد القلاش، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۵ ق.
۴۰. القاری، علی بن سلطان محمد (متوفای ۱۰۱۴ ق)، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، تحقیق: جمال عیتانی، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى، ۱۴۲۲ ق- ۲۰۰۱ م.
۴۱. متقی هندی، علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین (متوفای ۹۷۵ ق)، كنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، تحقیق: محمود عمر الدمیاطی، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۹ ق- ۱۹۹۸ م.
۴۲. محمد بن عبد الوهاب (متوفای ۱۲۰۶ ق)، مسائل لخصها، تحقیق: عبد العزیز بن زید الرومی، د. محمد بلتاجی، د. سید حجاب، الرياض، مطابع الرياض، الطبعة الأولى، بی تا.
۴۳. مزی، یوسف بن الزکی عبد الرحمن أبو الحجاج، تهذیب الكمال، تحقیق: د. بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الأولى، ۱۴۰۰ ق- ۱۹۸۰ م.
۴۴. مقدسی، أبو عبد الله محمد بن عبد الواحد بن أحمد الحنبلی (متوفای ۶۴۳ ق)، الأحادیث المختارة، تحقیق: عبد الملك بن عبد الله بن دهيش، مكة المكرمة، مكتبة النهضة الحديثة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۰ ق.
۴۵. النسائی، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن (متوفای ۳۰۳)، السنن الكبرى، تحقیق: د. عبد الغفار سليمان البنداری و سيد حسن كسروى، بیروت: دار

- الکتب العلمیة، الطبعة الأولى، ۱۴۱۱ ق- ۱۹۹۱ م.
۴۶. همو، خصائص أمير المؤمنين علی بن أبی طالب علیه السلام، تحقیق: أحمد میرین البلوشی، کویت: مكتبة المعلا، الطبعة الأولى، ۱۴۰۶ ق.
۴۷. هیثمی، ابن ابی بکر (متوفای ۸۰۷ ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت: دار الریان للتراث و دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۴۸. همو، موارد الظلمان إلى زوائد ابن حبان، تحقیق: محمد عبد الرزاق حمزة، بیروت: دار النشر و دار الکتب العلمیة، بی تا.
۴۹. یافعی، أبومحمد عبد الله بن أسعد بن علی بن سلیمان (متوفای ۷۶۸ ق)، مرآة الجنان و عبدة الیقظان، القاهرة: دار النشر و دار الکتب الإسلامی، ۱۴۱۳ ق- ۱۹۹۳ م.

